



انواع بیماریها مبتلا هستم که میبایست از همین پول مسائل درمانی خود راحل میکردم که بیشتر پول دریافتی خرج بیماری میشد... و روزی سه یورو که در توانم بود را پس انداز و مشکلات دندان راحل کنم... در این مدت هم خوراکم غذاهای ساده بود و باعث شد کلی وزن کم کنم و بسیار لاغر شدم در این مدت دوستانم برایم دو پیراهن خریدند چون نداشتم و نمیتوانستم بخرم لباس گرم نداشتم...

ادعای سراسردروغ رجوی (قسمت اول)

رجوی مدعی شده که بنده بخاطر نوشتن مقالات و بیان واقعیهای درون تشکیلات و سازمان رجوی از حاکمیت دینی پول دریافت میکنم سعی میکنم خلاصه به این موضوع و اتهام جدید پردازم بنده هیچ ابایی از نوشتن واقعیهای زندگی خود نداشتم و ندارم گرچه هیچ وقت مایل به پرداختن به زندگی شخصی نیستم و از آن جدا پرهیز میکنم ولی مجبورم برای بیان حقیقت کمی در این باره با شما هموطنان صحبت کنم و تلاش میکنم در دو مقاله کل ماجرا را شرح بدهم

همانطور که قبلا نوشتم رجوی میخواست با گرفتن کارت پناهنده مرا بخرد و بنده هم چنان مشتی بر فرقی کویدم تا غلطهای اضافی و گه خوری نکند و بفکر خرید و فروش بنده بعنوان پفک نمکی نباشد بهر حال بعد این داستان به کشور دیگری رفتم در آنجا ماهی 200 یورو از طرف دولت مربوطه بمن پول پناهنده می دادند روزی کمتر از 7 یورو که تمام مسایل خود را می بایست با همین پول حل میکردم از پوشاک تا لوازم بهداشتی تا خورد و خوراک و دارو و درمان از آنجایی که بنده در پستیانی بودم و کارهای سخت شبانه روزی داشتم به انواع بیماریها مبتلا هستم که میبایست از همین پول مسائل درمانی خود راحل میکردم که بیشتر پول دریافتی خرج بیماری میشد از طرف دیگر چهار دندانم درد میکرد دودندانم خرابی و دودندانم هم نیاز به عصب کشی داشت که باعث شده بود شبانه روز در تمامی ساعات درد چهار دندان را تحمل کنم تنها راه این بود که از خورد و خوراک و درمانهای دیگر صرف نظر کرده و روزی سه یورو که در توانم بود را پس انداز و مشکلات دندان راحل کنم و این داستان هشت ماه طول کشید تا توانستم با پس انداز روزی سه یورو یکی یکی دندانهایم را درست و بعد هشت ماه دردهای غیر قابل تحمل از دست درد راحت بشوم در این مدت هم خوراکم غذاهای ساده بود و باعث شد کلی وزن کم کنم و بسیار لاغر شدم در این مدت دوستانم برایم دو پیراهن خریدند چون نداشتم و نمیتوانستم بخرم لباس گرم نداشتم در دو سال گذشته بدلیل نداشتم لباس مناسب و گرمایش درخونه زمستانها شب و روز یخ کردم و نمیتوانستم بدلیل سرما استراحت و بخوابم که این مشکلات هم به بیماریهای دامن میزد و دردهای استخوانی که داشتم

بیشتر و غیر قابل تحمل میشد در هر صورت با مشکلات ساختم تا یک کاری پیدا کردم و هفت ماه کار کردم ساعتی یک یورو ونیم که مجبور بودم روزی دوازده ساعت و قتم را صرف کار کنم بدلیل کار زیاد و سنگین بیماریهایم از جمله کمردرد پا درد و در دستانه و گردن بیشتر شد و در نهایت بخاطر فشار زیاد فتم بیرون زد و نمیتوانستم کار کنم و از کار بیکار شدم حال موندن ام با عمل جراحی و بیکاری که به انجمن حمایتی مراجعه کرده ام تا جراحی مراحل کنند تا امروز فعلا جوابی نگرفتم این از داستان دو سال گذشته ام که به خیلی از مشکلات و مسایل هم اشاره نکردم و از کنار آنها میگذرم حال سوال اینه هلن ای رجوی شاید دروغ گوی در حال بی پرنسیب اگر پول میگرفتم چنین حال روزی را داشتم و در زیر خط فقر انهم در اروپا زندگی میکردم که به ده درصد مشکلات مالی هم اشاره نکردم اما واقعیت چیست رجوی میخواهد با مارک و تهمت و افترا مرا از میدان بدر کند بنده هم تصمیم گرفتم برای آگاهی ملت ایران و ثبت در تاریخ واقعیتهای درونی سازمان رجوی و اعمالق فکری ان را بنویسم تا ملت ایران یکبار دیگر بدام خمینی ها نیفتد و بنام انقلاب و اسلام و سینه زنی زیر پرچم سمبلهای بیگانه ملت را فریب نداده و خیانت به آنها نکند گرچه رجوی سالمیان است که در حال خیانت است.... ادامه دارد

علی شیرزاد 2018/07/11